

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هشتم تاریخ: ۸۷/۷/۲۳

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خاتم الانبياء
والمرسلين سيدنا و نبينا ابا القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين
الطاهرين المعصومين سيما بقية الله في الارضين واللعن على اعدائهم
أجمعين.

صاحب جواهر (اعلی الله مقامه) از جلد ۲۱ جواهر که از کتاب
جهاد آغاز می شود در اول کتاب جهاد درباره فضیلت و وجوب جهاد
روایاتی ذکر کرده بعد دو آیه از قرآن را ذکر کرده یکی آیه ۱۱۱ از
سوره توبه {ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم
الجنة} و آیه دیگر آیه ۹۵ سوره نساء {لا يستوی القاعدون و
المجاهدون} بعد گفته که جهاد سه قسم است یک جهاد ابتدایی است که
ما کفار را به اسلام دعوت می کنیم بدون اینکه آنها حمله ای، هجمه ای
نسبت به مسلمانان انجام بدهند ما وظیفه خود می دانیم برای از بین
بردن کفر و شرک و برای دعوت به اسلام حرکت کنیم. دوم اینکه کفار به
ما حمله کردند و ما از خودمان دفاع می کنیم. سوم جهاد با بغات است،
بغات جمع باغی مثل قضاة جمع قاضی، کسانی که در برابر حکومت
اسلامی حق و مشروع قیام کردند و حاضر نیستند که به حکومت
اسلامی تن دهند، این سه جور جهاد است و بعد هم شیخ طوسی در
خلاف جلد ۵، طرح جدید در کتاب جهاد که شروع کرده می گوید که
جهاد واجب است من النص و الاجماع و جمیع فقها می گویند که
واجب است، بعد رفته سراغ اینکه به چه کسی واجب است و همین طور
علامه در تذکره جلد ۹، طرح جدید به همین ترتیب بعد علامه در جلد
۱۳ منتهی، طرح جدید به همین اختصار. منظور ما این است که این
فقهای بزرگ اسلام در اول کتاب جهاد خیلی مختصر برگزار کردند با
اینکه آیات فراوانی در باره جهاد وجود دارد و از این آیات هم مطالب
فراوانی استفاده می شود بالاخره چون زمانشان یک زمانی بوده که فکر
نمی شد که یک روزی مسلمان ها بتوانند جهاد بکنند چون جهاد دارای
شرایط زیادی است یکی از شرط های مهم که بعدا می خوانیم این است
که جهاد باید تحت نظر معصوم (ع) باشد، حالا صاحب جواهر دارد و ما
هم عرض می کنیم کسی که نائب مقام معصوم باشد غیر از این را ما
صحیح نمی دانیم در هیچ کدام از این جهاد ها که هر سه آنها ذکر شد ما
قائل به این هستیم که بایستی تحت نظر پیغمبر یا امام یا کسی که قائم
مقام امام است باشد، خوب آنها از قبل از انقلاب اسلامی فکر نمی کردند
که مسلمانان یک روزی در ایران آنقدر قدرت پیدا کنند که خودشان قیام

کنند و در برابر کفار به جهاد و دفاع کامل پردازند حالا دعوت ابتدایی
نباشد حداقل به دفاع پردازد، چون کسی فکر نمی کرده حکومت
اسلامی به تمام معنا در یک نقطه ای از کشور های اسلامی بر قرار شود،
این بود که کتاب جهاد، کتابی بود که در همان صفحات کتاب خیلی
مختصر مانده بود، اما اینکه به عرصه زندگی مردم بیاید و سعی کنند
شرایط جهاد را ذکر کنند و مردم را برای جهاد آماده کنند و روحیه جهاد
را در مردم ایجاد کنند چنین فکری نمی شده و لذا خیلی مختصر برگزار
شده است. عرض بنده این است که ما بایستی بر خلاف برگزاری به
اختصار، آیات قرآن را به فصول مورد بررسی قرار دهیم، بعد هم
روایتمان را و بعد هم شرایط زمان در نظر بگیریم. (شما دیشب در
تلویزیون در صحبت های اخبار ایران شنیدید که کل غرب برابر اسلام
امروز ایستاده، اسلام ستیزی در کل غرب حاکم است) خوب اگر جهاد
از اول عملی می شد دشمن اینقدر قدرت پیدا نمی کرد از این جهت ما
یک آیه، که آیه ۷۱ از سوره نساء بود {یا ایها الذین امنوا خذوا
حذرکم} درباره این آیه، ۹ مطلب و آمادگی از آن استفاده میشود اگر
این آمادگی ها که آیه امر میکند در مسلمان ها وجود داشت وضع غیر
از این بود، بنده در کتاب های دیگر نمی گویم که بحث نکنیم مثلا
درباره بیع فضولی یک حدیثی بیشتر نیست حدیث عروة باری، اما ما
۴۰ صفحه درباره آن مطلب می نویسیم و شاید ۴۰ جلسه درباره آن
بحث می کنیم وقتی درباره یک موضوعی این چنین بحث شده و باید
هم شود، انتقاد نمی کنم، آیا باید درباره جهاد که صدها آیه در قرآن
دارد، هرکدام با یک لحنی، جهاد را مورد تأکید و تأیید قرار می دهد
بحث کنیم؟ همان طور روایات دیگر بنابراین این بحث لازم است ممکن
است کسی فکر کند که به همین اختصار باید برگزار شود.

امام (رضوانه الله علیه) که در نجف ولایت فقیه را شروع کردند
خیلی ها آن موقع فکر می کردند که بحث جهاد در حوزه علمیه نجف و
بحث حکومت اسلامی فایده ای ندارد (که یک نفر از ایران تبعید شد و
قیامی در برابر دنیا کمونیستی روسیه قوی و در برابر لیبرالیست غرب
آمریکا و انگلیس قوی انجام داده است) خوب حالا آمده اینجا حالا در
نجف کتاب حکومت اسلامی را شروع کرده خلاصه خیلی ها فکر می
کردند که این درس در اینجا چه فایده ای دارد ولی خود امام جواب
دادند در صحیفه نور هم فرمودند که این مباحث باید در حوزه ها مطرح
باشد تا کم کم جامعه آماده شود برای تأسیس حکومت اسلامی و همین
طور هم شد تا بگوییم و شایعه بکنیم و منتشر کنیم و مردم بشنوند و
آماده شوند چون واقعا در مورد جهاد همین طور است، برای اینکه

دوم اینکه جهاد پشتوانه مالی لازم دارد، در چند جای قرآن که همه را بنده یادداشت کرده ام {انفقوا فی السبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة} و نیز {یجاهدون باموالهم و انفسهم} و {جاهدوا باموالکم و انفسکم}

همین طور بی جهت که نیست اموال را بر انفس مقدم می دارد، چون جهاد که کار ساده ای نیست، بودجه لازم دارد، پشتوانه مالی لازم دارد فکر نکردند که از کجا باید تهیه شود آیا خمس و زکات کافی است یا خیر، یا از جای دیگری باید تهیه شود، زکات اگر باشد برای جهاد می توان مصرف کرد چون جزو فی سبیل الله است اما زکات آنقدرها نیست زکات از ۹ چیز است غلات اربعه که به حد نصاب برسد انعام ثلاثه و تقدین، اینها را که جمع کنیم آن قدر نمی شود، در انعام ثلاثه یک شرطش این است که سائمه باشد نه معلوفه، بیشتر حیوانات ما معلوفه هستند سائمه نیستند خمس هم برای ولی امر مسلمین است امام (رضوانه الله تعالی علیه) در زمان جنگ سهم امام را برای جبهه ها استفاده نمی کرد چرا؟ چون اگر از سهم امام به جبهه ها بدهند حوزه می خوابد و مردم باید تبرعاً کمک کنند، بنابراین همین پشتوانه مالی بحثی است که در کتاب جهاد بحث نشده و بایستی فقیه در زمان خودش برنامه ای در نظر داشته باشد، در بحث جهاد باید ببینیم که کی جهاد اسلامی صورت گرفته است و سیر جهاد تاریخی و اسلامی بعد از ائمه (ع) چه وقت بوده است در جنگ با روسیه که ایران مورد حمله قرار گرفت و در زمان فتحعلی شاه قاجار که گفتیم ۱۷ شهر ما را گرفت در دو جنگ، که جنگ اول به عهد نامه گلستان و دومی به عهد نامه ترکمنچای ختم شد، اگر مطالعه کنید مخصوصاً روضه الصبح شکسته این جنگ هارا به پای آخوندها و طلبه ها می گذارند چون قلم دست دشمن و متلمقین نسبت به دولت قاجاریه است آن زمان میرزای قمی (ره) که مرجع بود اعلام میکند که مردم به جایی رفته اند به مشهد، کربلا و سفرهای مستحبی پول های خود را برای جهاد بدهند و دادند حتی می گوید اگر برسد به اینکه حج را تعطیل کنیم ما باید این بودجه جهاد را تأمین بکنیم، بالاخره اینها بحث هایی است، بنابراین یکی از بحث های بسیار مهم این است که بوجه جهاد از کجا تأمین شود که در قرآن کریم این همه آیات دارد، یک بحث این است که افراد خودشان را باید آماده کنند افراد خودشان باید مهارت لازم را فرا بگیرند برای انجام جهاد، بحث دیگری که ما مطرح کردیم آمادگی روحی است افراد خودشان باید از نظر روحی روحیه جهاد داشته باشند، گفتیم که اصلاً چند طائفه را همراه نبرید افرادی باید همراه باشند که ایمان کامل داشته باشند رفتن به جهاد

شنیده اند که یکی از فروع اسلامی جهاد است اما خوب این باید به چه ترتیبی بوجود بیاید چه کار باید کرد کیفیتش باید چه طور باشد، بر چه کسی واجب است، واقعا گفته نشده است خوب ما هم شاگرد امام (رضوانه الله تعالی علیه) هستیم و لازم است در حوزه ها در مورد این مطلب بحث کنیم و روحیه جهاد را در مسلمانان ایجاد کنیم مثلاً همین آمادگی که بنده گفتیم من روزنامه دیشب را می گویم مثلاً قرضای در دوحه علیه شیعه ها دو مرتبه یک صحبتی در مورد این که شیعه باطل است و بدعت گذار است و ... و شیعه ها در ایران دارند مجهز می شوند به اینکه با ما سنی ها بجنگند تشیع را طوری به مردم یاد می دهند که در برابر سنی ها به جنگ برخیزند اگر ما آمادگی داشته باشیم باید همان روز جواب آنها را بدهیم باید آنقدر تجهیزتمان قوی باشد که هرکس نتواند علیه اسلام چیزی بگوید، این آمادگی این طور نبوده این طور شدیم و تا حالا واقعا در مورد جهاد کوتاهی شده است، اما امام (رضوانه الله تعالی علیه) فرمودند پایه این انقلاب جهاد است اگر جهاد نمی بود این انقلاب واقع نمی شد نظامی برقرار نمی شد و پایه تمام این حرکت های مهم اسلامی جهاد است این مطلب خیلی مهم است به همین جهت لازم است در حوزه ها بسیار بحث شود و باید مطالعه کنیم ما از آیه ۷۱ سوره نساء {یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم} گفتیم که ۷ آمادگی، لزوم آمادگی و وجوب تحصیل آمادگی و بعد از تحصیل، حفظ آمادگی، ۹ تا آمادگی از این آیه استفاده می شود. این باید القاء شود و مسلمانان بدانند که قرآن این طور گفته ادلّ دلایلهای قرآن است، چند مورد را ما گفتیم، مثلاً یکی از آنها که در کتاب جهاد اصلاً بحث نشده است این است جهاد مقدماتی دارد، یکی از مقدمات آن کسب مهارت است، جهاد با تجهیزات جنگی انجام می گیرد، آلات و ابزار لازم را دارد در واجبات کفایی مثل دفن میت، نماز میت آسان است اما این که جهاد واجب کفایی است یا نه بعداً بحث می کنیم، اما حالا بگوییم واجب کفایی نه عینی بالاخره مقدمات لازم دارد پس باید از راه اینکه مقدمه واجب، واجب است، لازم است که افراد بروند و مهارت لازم برای بکار بردن تجهیزات جنگی را یاد بگیرند، بنده پیشنهاد می کنم در حوزه علمیه قم، مدیریت حوزه ترتیبی دهد که ما طلبه ها مهارت های لازم را یاد بگیریم، الان اگر جنگ شود ما مهارتهای لازم برای بکارگیری تجهیزات جنگی را نداریم پس همان طور که جهاد واجب است مقدمه جهاد هم واجب و ضروری است {واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و رباط الخیل} و بحث سب و رمایه.

معروف کرخی ها را بوجود آوردند و به اینها پر و بال دادند برایشان خانقاه ساختند این بدل سازی چهره سازی و چهره آرای تمام فضائلی را که برای اهل بیت است برای همین قطب های خودشان قائل اند، در کتاب هایشان می بینیم که چقدر از غیب خبر می دهند، یکی از کتاب هایی که بخواهید درست مطالعه کنید تذکرة الاولیاء شیخ عطار است همان کرامات و کمالات و معجزاتی که اهل بیت (ع) داشتند إخبار از غیب، مرده زنده کردن، طی الارض، تسلط بر زمین و زمان، اینها که از مختصات ائمه (ع) است برای بایزید بسطامی و جنید بغدادی و شریق بلخی و حتی متأسفانه در کتابهایی علمای ما هم آنها آنقدر نفوذ داشتند که اینها را جا دادند علماء بزرگ ما هم گاهی آنها را قطب العارفین و با تعریف و تمجید از آنها می نویسند، بنده شنیدم ابوالسعید ابو الخیر را تعریف می کنند، همچنین شیخ ابوالحسن خرقانی را، اینها صوفی هستند اینها اعداء اهل بیت اند. برای کنار زدن اهل بیت آمدند و برای آنها فضائل و مکارم زیادی قائل شدند مانند قطب و پیر و مرشد شدند و از این قبیل چیزها. آن وقت اینها به ائمه (ع) اعتراض داشتند چرا؟ بخاطر اینکه اسلام را خلاصه کردند و در کشکول و سبیل و ذکرها و جلسه هایی که دارند یا هو و یا حق گفتن و با سیاست کاری ندارند و تارک دنیا هستند و دنیا را دادند به هارون الرشیدها و سلطان محمود غزنوی و حتی تا زمان ما این ها با سیاست کاری نداشتند، در انقلاب هم حرکتی نداشتند آنها با آن دستگاه هم می ساختند و یک اسلام پر جنب و جوش را به شکل یک اسلام فلجی درآوردند این ضرر بزرگ صوفی هاست و گاهی به ائمه اعتراض می کردند مثلا به امام رضا اعتراض می کردند که تو چرا لباس نو می پوشی و تو باید چنین و چنان باشی چون خودشان ظاهرا به یک کشکول و خرقة (که خرقة بحث بسیار عجیبی است که می گویند این خرقة ما دست به دست از امیرالمؤمنین رسیده و حرفهای زیادی درست کرده اند) آنها می گویند یک شریعت داریم، یک طریقت داریم و یک حقیقت داریم ما ها را اهل شریعت می دانند و شریعت را قشر می دانند و می گویند که ما قشری هستیم شیخ طوسی ها و شیخ مفیدها را قشری می دانند و می گویند شما هنوز به طریقت و حقیقت نرسیده اید. لب را طریقت و لب الالباب را حقیقت این ها حرف هایی هست که صوفی ها ساختند و این ها باید در حوزه ها بحث شود و معلوم شود که آنها چه کاره اند و چه می گویند مردم را اغفال می کنند و امثال وهابیت و ... عباد بصری برخورد کرد با امام سجاده (ع) حضرت راه مکه را پیش گرفته بودند گفت یا علی ابن الحسین {ترکت الجهاد و الصعوبة و اقبلت علی الحج و لبنة} گفتند جهاد را ترک کردی؟

حماسه آفرینی می خواهد، شهادت می خواهد، حسین فهمیده می خواهد، ایجاد این چنین روحیه ای از آیات و وعده های قرآنی استفاده می شود، حالا برای نمونه حدیثی از امام سجاده (ع) می خوانیم در جلد ۱۱ از وسائل ۲۰ جلدی، اولش از جهاد عدو آغاز می شود بعد جهاد نفس یعنی این کتاب قطور چندین باب دارد، ابواب جهاد عدو، بعد بیش از آن چندین باب، ابواب جهاد نفس است. جلد ۱۱ وسائل باب ۱۲ از ابواب جهاد عدو، صفحه ۳۲، باب اشتراط وجوب الجهاد بامر الامام و اذنه و تحریم الجهاد مع غیر الامام العادل، ما اینطور معتقدیم، شیعه این گونه معتقد است ولی سنی ها این شرط را قائل نیستند ما قائلیم که جهاد در صورتی واجب است که امر امام باشد، اذن امام باشد، بعدا خواهیم گفت که ولایت فقیه، در صورتی که امام غائب باشد اذن فقیه هم لازم است که تحت نظر او انجام گیرد و تحریم الجهاد مع غیر الامام العادل در این باب هم اخباری است. خبر سوم این است {و عنہ} یعنی کلینی {عن علی ابن ابراهیم عن ابیه عن عثمان ابن عیسی عن سماعه} عثمان ابن عیسی واقفی المذهب است ولی مورد وثوق است، سماعه ابن مهران هم که خیلی معلوم است سند خیلی خوبی است {قال، لقی عباد البصری علی بن الحسین علیهما السلام فی الطریق مکه} یک شخصب به نام عباد بصری، با امام سجاده ملاقات کرد و امام سجاده (ع) به مکه می رفت، خود عباد بصری یکی از صوفی هاست، در تنفیح المقال ما مقامی (این کتاب سه جلد قطور است اخیرا در مجلات متعددی چاپ جدید می شود و پا ورقی های خیلی خوب دارد و مدارک نوشته شده است که تا جلد ۲۰ چاپ شده است و امکان دارد ۴۰ تا ۴۵ جلد شود) در جلد ۲، چاپ قدیم، صفحه ۱۲۱ می گوید که عباد از اکابر صوفیه است اعتراض می کند بر امام صادق (ع) در کافی هم هست، (بنده معتقدم در حوزه علمیه یک بحث کلامی عمومی باید باشد که این بحث کلامی درباره وهابی ها و درباره صوفیه و امثال اینها، یکی از مذاهب باطله که درباره اش روایات فراوان آمده مذهب صوفیه است که خود صوفیه ۷۲ فرقه است مقدس اردبیلی در حدیقة الشیعه این ها را ذکر کرده است ائمه (ع) می گویند {انهم اعداءنا} صوفی ها دشمن ما هستند، چرا؟ بخاطر اینکه آنها طائفه ای هستند که نوعا جباران و سلاطین جبار آنها را بوجود آورده، سلاطین جبار و ظالم چون می دیدند که با فرهنگ اهل بیت نمی توانند کنار بیایند از این جهت اهل بیت را منزوی کردند و از طرفی هم میان مردم به نام اسلام حکومت می کنند چون مردم مسلمانند، آمدند بدل سازی کردند به جای اهل بیت (ع) و از قبیل بایزید بسطامی ها، جنید بغدادی ها، شریق بلخی ها،

نزدیک است که ملت های دیگر بر شما مسلمان ها حمله کنند {تداعی} اصلش {تتداعا} یک (ت) افتاده، در باب تفاعل و تفعل دو تاء اگر جمع شود یکی از آنها می افتد مانند تنزل الملائكة که تنزل بوده است، همان طور که کسی که میخواید غذا بخورد به کاسه غذا حمله می کند به همین ترتیب امم دیگر به شما حمله ور خواهد شد در این جا یا (آكلة) است که صفت طائفه آكلة است جماعت آكلة یا (اکلة) است اكلة جمع آکل مثل طلبه جمع طالب خلاصه دوگونه می شود خوانند، یا رسول الله چنین روزی که خواهد آمد آیا ما مسلمانان کم هستیم؟ از جهتی که کم هستیم مورد حمله آنها قرار می گیریم؟ {قال، لا، بل انتم یومئذ کثیر ولکن کم غصائک غصاء السیل} فرمودند نخیر شما در آنروز زیاد هستید و مثل کف روی آب هستید ریشه ندارید برای ریشه داشتن وحدت و اتحاد و درک فرهنگ اسلامی لازم است. حضرت علی در نهج البلاغه {والله أن هذا القوم سیدالون علیکم لاجتماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم} حضرت قسم می خورد که مردم شام بر شما مردم عراق غالب خواهند شد، مردم شام زیر سلطه معاویه هستند مردم عراق زیر پرچم امیرالمؤمنین هستند برای اینکه آنها در راه باطل با هم وحدت دارند ولی شما حق هستید ولی با هم وحدت ندارید، عجیب است! پیغمبر می فرماید شما زیاد هستید ولی مثل کف روی آب هستید کف روی آب وقتی که موج ها حرکت می کند آنها را به این طرف و آن طرف می برد و اینها چون که ریشه ندارند هر طرف که موج بیاید حرکت می کند {و لینزعن الله من صدور عدوکم المهابة منکم} پیغمبر می فرماید که از صدور و سینه های دشمنان شما، مهابة از شما ریشه کن می شود، دیگر برای شما جسایی قائل نیستند، از شما نمی ترسند.

چون جهاد از مسیر خودش منحرف شده بود، جهادی که باید در رأسش یک معصوم باشد، در زمان بنی امیه هم بود اما چه جهادی بود! تسخیر شهرها برای گرفتن جزیه و مالیت بود، حتی بعضی ها می گفتند ما می خواهیم مسلمان شویم می گفتند نه شما باید به ما جزیه بدهید تا مسلمان شوید، جهاد را مبدل کردند به جهان گیری و سلطه طلبی. آن صوفی به امام سجاد(ع) اعتراض می کند {ترکت الجهاد و الصعوبة} (و به معنی (مع) است یعنی {مع صعوبة} جهاد را با صعوبتی که دارد ترک کردی {اقبلت الی الحج و لینه} دوباره (و) به معنای (مع) است می خواهی به مکه بروی این کار آسانی است و دنبالش خواند {ان الله عزوجل یقول ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فقتلون و یقتلون} و او آیه ۱۱۱ سوره توبه را آن صوفی برای امام سجاد(ع) خواند که شما جهاد را که دارای مشکلات است ترک کردید و به حج می روید که کار آسانی است حضرت به ایشان فرمودند پشت سر این آیه، آیه بعدی را بخوان، آیه بعدی این است {التائبون العابدون الحامدون السائقون الركعون الساجدون الآمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشرّ المومنین} و فرمودند کسی که به جهاد می خواهد برود ۹ فت باید داشته باشد اول التائبون، بعد العابدون، بعد الحامدون، بعد السائقون یعنی کسی که حرکت کند برای خدا، بعد الراكعون الساجدون یعنی کسانی که با هم به رکوع و سجده بروند، این قبیل افراد الآمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و کسانی که حدود را رعایت کنند حضرت فرمودند این آیه را بخوان، {اذا راینا هولاء الذین هذه صفتهم فالجهاد معهم افضل من الحج} این ها که به جنگ رفتند ما هم همراه این ها می رویم این را به آن صوفی در زمان بنی امیه گفتند. بحث این بود که آیات قرآن در انسان چنین روحیه ای ایجاد میکند که یکی از این آمادگی ها، آمادگی روحی بود ما در این آیه {خذوا حذرکم} استفاده هایی کردیم که به عرض محترم شما رسید. یک روایتی بخوانیم از طریق اهل تسنن اما روایت جالبی است، جلد ۴ سنن ابی داود، ص ۱۱۱ کتاب ملاحم، ملاحم جمع ملحمه است، ملحه یعنی رویکرد ها و حوادثی که بعدا بوجود خواهد آمد ولی حوادث مهمی است که باید مسلمان ها مواظب باشند در چنین حوادثی دین خودشان را حفظ کنند این که کتاب ملاحم اخبار از وقایع آینده است احمد بن حنبل هم در جلد پنجم (مسند احمد ابن حنبل (که شش جلد دارد) ص ۲۷۸ ذکر کرده، قال رسول الله (ص) {یوشک الامم عن تداعی علیکم کما تداعی الآكلة (الاکلة) الی قصعتها و قال قائل و من قلة ... یومئذ}